

پروفسور سید امیر حسن عابدی *

ریاض الاسلام *

ترجمه: عبدالرحمن قریشی *

آقای پروفسور امیر حسن عابدی، آدم دوست‌ساز و دوست‌نواز است. وی دارای عده‌ای بی‌شمار دوست در هند، پاکستان، ایران و کشورهای دیگر است، ولی من ادعا می‌کنم که دوست قدیمی او هستم. دوستی من با ایشان ۵۶ سال پیش شروع شده است، در سال ۱۹۴۵ م دو کرسی تدریس فارسی و تاریخ در کالج معروف سنت استفن (بنام کالج میسیون در دهلی هم معروف بود) خالی شده بود و آگاهی آنها هم پخش شد. او از آگره و بنده از علیگره برای آن شغل درخواست دادیم. بخش فارسی کالج جانس در سرپرستی پروفسور حامد حسن قادری شهرت آفاقی داشت، آقای عابدی شاگرد برجسته آن بخش بودند. مصاحبه هردوی ما در یک روز در ژوئیه ۱۹۴۵ م برگزار شده بود و ما هردو برای آن کرسیها انتخاب شده بودیم، آقای عابدی برای مدرس فارسی و بنده برای مدرس تاریخ. این کالج چند سال پیش به‌ساختمان جدید منتقل شده بود. در این کالج مهمان‌سرای‌های اساتید متصل به‌خوابگاه‌های دانشجویان هم بنا شده بودند. هر طبقه دو اتاق بزرگ داشت و یک طبقه برای هردوی ما داده شده بود. کالج که باز شد ما هم از همان زمان در یک طبقه همراه باهم زندگی کردیم. گمان می‌برم که

◆ این مقاله در کتابچه‌ای به‌عنوان «پروفسور دکتر سید امیر حسن عابدی محقق اور و انشور» از مؤسسه غالب، دهلی نو در سال ۲۰۰۲ م چاپ شده است.

● مورخ پاکستانی.

* پژوهنده مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو.

اقامت بنده در کالج سنت استفن درخشان‌ترین دوره بوده است و دوستی با آقای عابدی جزء لاینفک آن دوره بوده است.

کالج سنت استفن از کالج‌های درجه‌عالی به‌شمار می‌آید و تا حال هم ادامه دارد. تاریخ سابقه آن خوب است و برخوردار از آن قدیم و قابل امتیاز بوده است. سی.اف. آندریوز (دوست مهاتما گاندهی) و دیگر شخصیت‌های نامور در آن عضویت داشته‌اند و اساتید معروفی مانند شمس‌العلماء مولانا عبدالرحمن و دکتر اشتیاق حسین قریشی مرحوم اعضای برجسته آن بودند. وقتی که آقای عابدی و بنده عضو اساتید آن کالج شدیم، نامی‌ترین مدیر آن کالج آقای مکرچی زمانی پیش‌بازنشسته شده بود و از آنجا خلاص شده بودند، ولی نام او هر جا بر زبان بود. نوواردانی چون ما از حیث حقوق و امکانات پایین‌ترین مرتبه را داشتیم. وقتی آقای عابدی منصب خود را به‌عهده داشت، مدیر آن کالج راجه رام بود و جانشین آقای مکرچی شده بود. راجه رام مرد خوش خلق و در امور اداری کالج خوش‌فهم و دارای روابط عمومی خوب بودند و اساتید نووارد (مثل آقای عابدی و بنده) را به‌طور خصوصی توجه و حمایت می‌کردند و با اساتید و دانشجویان روابط خوبی داشتند.

دانشجویان منتخب از سراسر هندوستان در این کالج استخدام شده بودند و دختران و پسران از خاندان علم‌دوست خصوصی مورد توجه بودند. بیشتر دانشجویان به‌طور جدی در صدد کسب علم بودند. قیل و قالی که مانع کارهای علمی می‌شود، اصلاً در این کالج نبوده و سکوت در کتابخانه این‌قدر بود که اگر سوزن ته‌گردی بر زمین می‌افتاد، صدای آن شنیده می‌شد. دانشجویان در کلاس‌ها به‌درس خود توجه خوبی داشتند. ظاهراً در انجام وظیفه خود آقای عابدی و بنده هیچ مشکلی نداشتیم. آقای عابدی از شروع آغاز در اساتید کالج نامی پیدا کرده بودند. وی خوش اخلاق، مردمدار و استاد مشفق و رفیق کار بودند و بزودی شخصیت برجسته علمی شده بودند.

صد افسوس که این همکاری با آقای عابدی فقط در حدود دو سال و ربع باقی‌ماند. ما هردو در سال ۱۹۴۷ م باهم بودیم. به‌دلایلی که بعد از استقلال امنیت ما کم شده بود برای حفاظت ما از آنجا وزیر اعلی رامپور جناب آقای کولونل بشیر حسین زیدی به‌دهلی تشریف آوردند و با سرپرستی وی ما را به رامپور منتقل کردند و آن روزها من

در صدد ازدواج بودم و استاد عابدی چند روز با من در یکجا اقامت داشتند. بعداً به شهر خود رفتند. قبل از تقسیم هند این آخرین ملاقاتِ بین ما بود. پس از تقسیم هند قدری زمان گذشت که آقای عابدی به دانشگاه دهلی پیوست. شهرت تحقیق و تصانیف او هر روز بیشتر شد و چندین مرتبه عازم ایران شدند و اقامت در آن کشور برای آموختن زبان فارسی و یادگرفتن اصول تحقیق شانس فراهم آورد و ایران نیز او را جایزه‌های علمی بسیار نواخت. چند مرتبه به پاکستان هم دعوت شدند و تشریف بردند. دو بار به کراچی تشریف آورده بودند و از وی صحبت‌های پرلطف بسیاری به یادگار مانده است. بنده خیلی خوشحالم که روابطی که در سال‌های ۴۷-۱۹۴۵ م مابین ما وجود داشت، با همان گرمی تا امروز هم ادامه دارد. هر کتاب تازه‌ای که به دهلی می‌آمد و به درد بنده می‌خورد، همیشه بدون تأخیر برای من می‌فرستادند. راست این است که او با همین کِهولت نمونه نادر خلوص و رفتار انسانی است. پروفیسور عابدی برای توسعه و گسترش زبان و ادبیات دانشگاه‌های هند کارهای بسیاری مهم انجام داده‌اند. با سعی و کوشش وی انجمن استادان فارسی کالج‌ها و دانشگاه‌های سراسر هند تشکیل شده است و با سرپرستی پروفیسور نذیر احمد و پروفیسور عابدی و با کاوش‌های خستگی‌ناپذیر اساتید محترم فارسی زبان در کالج‌ها و دانشگاه‌های هند زبان و ادب فارسی جایگاه ارزشمندی پیدا کرده است که قبلاً در هندوستان چنین سابقه‌ای نداشت. آقای عابدی از لحاظ تربیت شاگردان استعداد خوبی داشتند و با خلوص، توجه و تحقیق دانشجویان خوب و برجسته‌ای را دور خود جمع کردند و اینها با شفقت و راهنمایی علمی استاد عابدی در دانش و تحقیق مقام برجسته‌ای پیدا کرده بودند. عظمت و گرانقدری یک استاد آن وقت نمایان می‌شود که شاگردان او به چه سطحی علمی دست یابند. آقای عابدی از این بابت خیلی خوشبخت بودند که اگرچه وی از مرگ شاگرد خوبی چون دکتر انصاری خیلی متأثر و غمگین شده بودند اما باز هم شاگردان دیگرشان جای آنها را پرکردند.

استاد نادرالوجودی مثل آقای عابدی هرچه قدر با جایزه‌های علمی سرفراز می‌شود، باز هم کم است و برای بنده دوستی دیرپای با او ما را مایه فخر و مباهات و آرامش قلبی است.